

#### پیام به مناسبت دومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان / ۱۳۶۰/۰۹/۰۵

در دومین سالروز تشکیل بسیج از خدای بزرگ می‌خواهم ملت انقلابی ما را که تشکیل دهندگان و اعضای بسیج مستضعفان هستند در راه کمک به اسلام و انقلاب موفق بگرداند و بعنوان برادری که به زحمات نهادهای انقلابی با شیفستگی و احترام می‌نگرد؛ آرزو دارم که بسیج مستضعفان تجلی‌گاه اخلاق عالی‌ه‌ی اسلامی و میعادگاه عاشقان حقیقی خدا و خدمتگزاران واقعی خلق خدا باشد و میدانم که چنین نیز خواهد بود.

#### بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم اربعین امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

که اسلام و آیات کریمه‌ی قرآن، پیروان خود را به انواع کمالات بشری، مانند علم و فضایل اخلاقی و عدالت اجتماعی و عزت و قوت و یگانگی و وحدت و تسلیم نشدن در مقابل تحمیلها سوق می‌دهند. بروشنی می‌شود فهمید که وضع کنونی مسلمین در دنیا اسلام و سراسر جهان، وضع طبیعی یا تصادفی نیست؛ بلکه این شرایط را بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند.

#### بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک سراسر کشور / ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است.

#### سخنرانی در دیدار اقشار مختلف مردم در روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان / ۱۳۶۹/۰۱/۳۰

در جمهوری اسلامی، همه‌ی قشرها، چه کسانی که مسوولیتی در نظام جمهوری اسلامی دارند - که البته نسبت به اینها، تکلیف سنگینتر و فوریت و واجبتر است - چه مردم معمولی جامعه که سمت و منصب و شغل و اعتباری ظاهری را یدک نمی‌کشند، اگر سعی کنند همین یک خصوصیت را - تواضع، زدودن روح تکبر و استعلا و علو، که موجب طغیان است - در خودشان به وجود آورند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و جامعه، جامعه‌ی حقیقتا اسلامی خواهد شد. باید این کارها را بکنیم؛ منتظر چه هستیم؟ آن احساس و وسوسه‌ی که درون من و شما وجود داشته باشد، دایم به ما بگوید که ما از دیگران بالاتریم، حرف ما از حرف دیگران قابل قبولتر است، شان ما از شان دیگران بیشتر است؛ این، موجب فساد و اختلاف و گسستن همه چیز در نظام اسلامی است؛ این را باید از بین برد. اگر ما این صفت شیطانی را در وجود خودمان و در صحن جامعه از بین ببریم، برادری و همکاری به وجود خواهد آمد و روزبه‌روز، وحدت بهتر و بیشتری ایجاد خواهد شد و جامعه، التیام الهی و اسلامی خودش را به دست خواهد آورد.

#### بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۷۰/۰۸/۰۱

هنر، بهترین وسیله برای انعکاس همین مفاهیم و همین مسائل است. متأسفانه دشمنان اسلام و ایران و شرف و عزت ما، از هنر هم سو استفاده کردند؛ هنوز هم دارند می‌کنند. از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیه‌ی شعبه‌های هنر، به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت، از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی، و سوق دادن به مادگرایی و عیش و عشرت مادی، سو استفاده می‌کنند. چه کسی باید این را جبران کند؟ شما جوانان. اگر انقلاب و جامعه‌ی اسلامی از هنر فاخر و برجسته برخوردار نباشد، نخواهد توانست مکتوبات قلبی خود را به مخاطبان خودش برساند و با آنها ارتباط برقرار کند.

#### بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا / ۱۳۷۱/۰۴/۲۳

آن جوان مومنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان باخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید، این، واجب است. این، مسوولیت شرعی شماست. امروز مسوولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

#### بیانات در مراسم صیحه‌گاه مشترک یگان‌های زمینی، هوایی و دریایی سپاه / ۱۳۷۲/۰۷/۰۷

فضل و بزرگمردی و سالاری همان بلاهای سخت لازم است تا اقیانوس موج فضایل انسانی، در درون انسان به شکل معجزه‌آسا؛ نه به شکل معمولی به موج بیفتد و انسانها معنویاتشان رشد کند. شما جوانانی که جنگ را دیدید؛ شما جوانانی که در جنگ تجربه‌هایی را گذراندید؛ شما جوانانی که لحظه‌لحظه‌ی خطر را با پوست و گوشت و استخوانتان حس کردید و در آن لحظه‌ها به خدا پناه بردید، بدانید که از یک اقیانوس بی‌پایان معنویت استفاده کردید و بهره بردید.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۱۰/۱۰

امروز پرچم اسلام را جمهوری اسلامی بلند کرده است. یعنی پرچم بعثت را. یعنی همین ارزشها را که در بعثت هست و باید در تامین آنها بکوشد. اگر قرار باشد که به اسم اکتفا کنیم، این دیگر اسلام نیست. باید توحید به معنای حقیقی کلمه و تسلیم در مقابل پروردگار رواج پیدا کند. باید نظام اجتماعی، نظامی عادلانه و نظام اخلاقی جامعه، نظامی انسانی و عاطفی و مبتنی بر فضائل باشد. در مقابل هر چه غیر خدا، تسلیم و عبودیت نباشد، تبعیت نباشد، نفوذپذیری نباشد. بخصوص باید آن اعدا عدو انسان که همان «نفسک التی بین جنییک» است و هواهای نفسانی که «مادر تنها، بت نفس شماست» و از همه‌ی تنها بالاتر و خطرناکتر است، مقهور شود. باید مبارزه با تنها، از جمله بت نفس، رایج باشد. نمی‌گوییم که انسانها یکسره تبدیل به فرشته شوند، اما یکسره تبدیل به انسانهایی شوند که در این راه تلاش و مبارزه می‌کنند. نفس این مبارزه، تقوا نامیده می‌شود. هر انسان و هر جامعه‌ای که چنین تلاش و مبارزه‌ای بکند، متقی و پرهیزگار است. این، یک بعد قضیه است. دنیا جاهلیت دنیایی به حساب می‌آید که فاقد ارکان و ارزشهایی است که ما سه چهار موردش را عرض کردیم. مسلما محتوای بعثت و خطوط اساسی جامعه‌ی اسلامی، دارای ارکان و ارزشهایی بیش از سه چهار مورد است. جامعه‌ی جاهلی جامعه‌ای است که از ارزشهای مورد اشاره، تهی است و درست نقطه‌ی مقابل جامعه اسلامی قرار دارد. حال با این نقطه‌ی مقابل - جامعه‌ی جاهلی - چگونه باید برخورد کرد؟ غلط است اگر خیال کنیم در مقابل جامعه‌ی جاهلی، ما که جامعه‌ی اسلامی هستیم باید برخورد خصمانه داشته باشیم؛ نه، برخورد ما باید برخورد دلسوزانه باشد. یعنی ارزشها را به دنیایی که محتاج ارزشهای اسلامی است، معرفی کنیم. این قدم اول است. بعد اگر خودمان ان‌شاء‌الله برخوردار از این ارزشها هستیم، آنها را به نقطه‌ی مقابل منتقل کنیم. دشمنی و ستیزه‌گری‌ای که در اسلام وجود دارد، نسبت به کسانی است که مانع این تبادلند، مانع این نقل و انتقالند و مانع این تبدل و تحول در درون نظام اسلامی‌اند. آنها هستند که معارضند و با معارض، طبعاً اسلام برخورد معارضه‌آمیز می‌کند. لکن دنیا، دنیایی است که امروز به پیام اسلامی نیازمند است.

#### بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۴/۱۰/۰۵

راز تداوم معارف انبیا - از اول تا آخر - کلمه‌ی توحید و فضایل و ارزشهای دینی بود که به وسیله‌ی اینها تکرار شد و امروز همین معارف، دنیا را گرفته است و به هر جای آن‌که نگاه کنید، معارف انبیا را می‌بینید؛ در حالی که تقریباً همه انبیا را - به جز تعداد معدودی - قلع و قمع کردند. موسی را آن همه زجر کردند و عیسی بن مریم را آن طور مورد تعقیب و فشار قرار دادند؛ اما معارفشان تا امروز باقی است.

#### پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶ / ۰۱/۰۱ / ۱۳۷۶

امیدوارم این سال جدید که با چنین روزی آغاز می‌شود، برای ملت ما سال مبارک و به معنای حقیقی کلمه سال نیکی باشد. البته مبارکی یک سال برای یک ملت، فقط به جنبه‌های مادی آن سال نیست؛ گاهی جنبه‌های معنوی اهمیت بیشتری دارند. اگر ملتی بتواند یک تحول اخلاقی در خود به وجود آورد؛ اگر بتواند رذایل اخلاقی را از درون خود پاکسازی کند و خود را به فضایل اخلاقی آراسته سازد، حقیقتاً برای آن ملت عید است. شاید اساساً قرار دادن اعیاد - چه اعیاد ملی و چه اعیاد دینی و مذهبی - برای ایجاد چنین تحولاتی در درون انسانهاست.

خوشبختانه در این سالهای اخیر، ملت ما از لحاظ معنوی، پیشرفت‌های زیادی کرده‌اند. اقبال به معنویات، اقبال به دین و عبادت، توجه به ذکر و حضور و خشوع و به نماز و روزه و به طاعت حق و تقرب به پروردگار در بین ملت ما؛ بخصوص جوانانمان رایج و شایع شده است؛ ولی تحول اخلاقی، فقط این نیست. شاید بشود گفت که تحول اخلاقی برای ملت، دشوارتر هم هست و به همین جهت، در باب تحول اخلاقی هم مخاطب اول و مسوول اول جوانان هستند که برای آنها همه کارها آسانتر و راحت‌تر است. دل‌های جوانان، نورانی است و فطرت‌های آنان، سالم و دست‌نخورده است. آلودگی آنان به زخارف و آلودگیهای دنیا؛ به بندهای گرانی که پولدوستی و مالدوستی و جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی و این چیزها بر پای انسان می‌زند، خیلی کمتر است؛ لذا تحول اخلاقی در جوانان آسانتر است. البته میانسالها، بلکه کمسالها هم نباید از امکان تحول اخلاقی در خودشان مایوس باشند. تحول اخلاقی، یعنی این‌که انسان هر رذیلت اخلاقی را - هر اخلاق زشت، هر روحیه بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است - کنار بگذارد و خویشتن را به فضایل و زیباییهای اخلاقی، آراسته کند. در جامعه‌ای که حقد و بددلی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب یا دیگران و خدعه در کار دیگران به کار نبرند؛ اگر کسانی دارای سواد و معلوماتند، آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم به کار نبرند؛ بلکه همه‌ی افراد انسان در یک جامعه، نسبت به یکدیگر خیرخواه باشند، به هم کینه نوزند، به هم حقد و حسد نداشته باشند، به بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواهند. این تحول اخلاقی است و حداقل قضیه است.

در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خلیقات اسلامی - همان چیزهایی که در اسلام برای یک انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است - رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت و پاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون‌طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهیدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است.

ملت ما به برکت اسلام، به برکت سنن کهن خود و به برکت فضایل اخلاقی که در او وجود دارد، بحمدالله مقدری از این پریشانی جهانی بر کنار مانده است و غالب ملت‌های مسلمان نیز به برکت اسلام، امتیازاتی را دارند. البته این به معنای آن نیست که ما کمال اخلاقی داریم؛ نه. نقصهای زیادی در ما هست، کمبودهای زیادی در ما وجود دارد که باید این کمبودها را جبران و برطرف کنیم. تنبلی، نومیدی، بی‌حوصلگی، بهانه‌جویی نسبت به انسانهای دیگر و همان خصال ناپسندی را که قبلاً اشاره کردم، هر کدام در ما هست، باید دور بریزیم. این، یک مبارزه و مجاهدت است.

#### بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۸/۰۱/۲۳

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مومنین و صالحین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید.

#### ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

جناب آقای خاتمی - ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

اینک به فضل و عنایت خداوند سبحان و توجهات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (ارواحنافداه) سیاست‌های کلی برنامه پنجساله‌ی سوم برابر اصل یکصد و دهم قانون اساسی ابلاغ میگردد. این سیاستها با هدف: استقرار عدالت اجتماعی، ارتقا دینی و علمی و فرهنگی، امنیت و رفاه اقتصادی، افزایش عزت و اعتبار بین‌المللی که در مدت برنامه‌ی سوم از اولویت برخوردار است، با اصرار موکد بر حضور و مشارکت مردم تنظیم شده و میتواند پایه و چهارچوب متین و قابل تحقیق برای پیشرفت و توسعه‌ی کشور باشد، ان‌شاءالله...

فرهنگی

۱۷- اعتلا و عمق‌بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و عملی ارزشهای انقلاب اسلامی، و مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی بیگانه.

۱۸- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام‌خامنه‌ی رحمة‌الله‌علیه در همه‌ی سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیها، و برجسته‌کردن نقش آن بعنوان یک معیار اساسی.

۱۹- رعایت آراستگی سیمای جامعه و کشور و محیط سازندگی به ارزشهای اسلامی و انقلابی

۲۰- جهت‌دهی رسانه‌ها بخصوص صداوسیما به سمت سالم‌سازی فضای عمومی و رشد آگاهیها و فضائل اخلاقی و اطلاع‌رسانی صحیح و تحقق سیاست‌های کلی برنامه توسعه

۲۱- توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، و تقویت امر پژوهش، و بالابردن توان علمی و فناوری کشور.

۲۲- معرفی و ترویج فرهنگ و ارزشهای والای اسلام و ایران اسلامی به جهانیان و تبیین شخصیت و مبانی سیاسی و فکری امام‌خیمینی رحم‌الله‌علیه به آنان و توجه به تجربه‌ی دیگر کشورها - بویژه کشورهایی که مشترکات بیشتری با ما دارند - در برنامه‌ی توسعه و شناسایی نکاتی که به موفقیت یا ناکامی آنان انجامیده‌است.

#### بیانات در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری سال ۸۰ / ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

امتیاز نظام اسلامی در این است که این چارچوب، احکام مقدس الهی و قوانین قرآنی و نور هدایت الهی است که بر دل و عمل و ذهن مردم پرتو افشانی و آنها را هدایت می‌کند. مسأله‌ی هدایت مردم یکی از مسائل بسیار مهمی است که در نظام‌های سیاسی رایج دنیا - بخصوص در نظام‌های غربی - نادیده گرفته شده است. معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه‌های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوسهای فاسدکننده‌ای که گاهی به نام آرا و خواست مردم مطرح می‌گردد، از افق انتخاب مردم دور شود.

#### بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون / ۱۳۸۰/۰۸/۲۱

امروز کشور احتیاج دارد که فضای عمومی آن، فضای معروف، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدالت و میل به معنویت باشد. نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی‌کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال - روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد - نیز جزو وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشان اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو می‌شدند، اثر می‌گذاشت و انسانها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم با تربیت فردی، منقلب و متحول می‌کرد. تحول انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.

امروز اگر در دنیا ظلم و سلطه وجود دارد و تمدن خشن غربی، دنیا را از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و ناحق‌گویی - تسلط قدرتها بر ملتها، غارت اموال ملتها به وسیله‌ی مراکز جهانی - پر کرده است، اینها به خاطر انزوای معنویت و اخلاق انسانی است. وقتی معنویت و اخلاق و فضیلت منزوی شد و کسی جرات نکرد در دنیا فضایل اخلاقی را به عنوان ارزشهای طراز اول مطرح کند، شر و فساد غلبه خواهد کرد و پول و زور، ارزش خواهد شد و صاحبان پول و زور برای باز کردن راه به سوی هدفهای خود، هیچ مانعی را ملاحظه نخواهند کرد و دنیا همان چیزی می‌شود که امروز وجود دارد. دهها سال است که ملتی مثل فلسطین، زیر دست و پای ظلم و ستم قهاران و ستمکاران عالم لگدمال می‌شود؛ اما این مظلومیت به این عظمت، در دنیا انعکاسی ندارد! دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا در خدمت ظالم و ظلم و ادامه‌ی این ظلم کار می‌کنند. از قبیل قضیه‌ی فلسطین، قضایای کوچک و بزرگ دیگری در صد سال، صدونجاه سال که قدرتهای استعماری دنیا را قبضه کرده‌اند، وجود داشته و دارد که در زمان خود ما موارد متعددی را به چشم شاهد و ناظر بوده‌ایم. این به خاطر آن است که معنویت منزوی است.

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد. برافراشتن پرچم اخلاق، فقط از موضع موعظه‌گری قابل تأمین نیست؛ با حرکت عظیم و اقتدار ناشی از حضور مردم، این پرچم در دنیا برافراشته شده است. امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین‌المللی، از عدالت و مظلومیت ملتها سخن می‌گوییم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین چیزی نبود. حضور مردم و بسیج حقیقی دلها و جسمها و جانها می‌تواند پشتوانه‌ی این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسوولیت عظیم بسیج است.

#### بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

خیلیها به امام حسین علیه‌السلام مراجعه و او را بر این ایستادگی ملامت می‌کردند. آنها مردمان بد و یا کوچکی هم نبودند؛ بعضی جزو بزرگان اسلام بودند؛ اما بد می‌فهمیدند و ضعفهای بشری بر آنها غالب شده بود. لذا می‌خواستند حسین بن علی را هم مغلوب همان ضعفها کنند؛ اما امام حسین علیه‌السلام صبر کرد و مغلوب نشد و یکایک کسانی که با امام حسین بودند، در این مبارزه‌ی معنوی و درونی پیروز شدند. آن مادری که جوان خود را با افتخار و خشنودی به طرف این میدان فرستاد؛ آن جوانی که از لذات ظاهری زندگی گذشت و خود را تسلیم میدان جهاد و مبارزه کرد؛ پیرمردانی مثل «حبيب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه» که از راحتی دوران پیرمردی و بستر گرم و نرم خانه‌ی خودشان گذشتند و سختی را تحمل کردند؛ آن سردار شجاعی که در میان دشمنان جایگاهی داشت - «حربن یزید ریاحی» - و از آن جایگاه صرف‌نظر کرد و به حسین بن علی پیوست، همه در این مبارزه‌ی باطنی و معنوی پیروز شدند.

آن روز کسانی که در مبارزه‌ی معنوی بین فضایل و ردای اخلاقی پیروز شدند و در صف‌آرایی میان جنود عقل و جنود جهل توانستند جنود عقل را بر جنود جهل غلبه دهند، عده‌ی اندکی بیش نبودند؛ اما پایداری و اصرار آنها بر استقامت در آن میدان شرف، موجب شد که در طول تاریخ، هزاران هزار انسان آن درس را فراگرفتند و همان راه را رفتند. اگر آنها در وجود خودشان فضیلت را بر ردیلت پیروز نمی‌کردند، درخت فضیلت در تاریخ خشک می‌شد؛ اما آن درخت را آبیاری کردند و شما در زمان خودتان خیلیها را دیدید که در درون خود فضیلت را بر ردیلت پیروز و هواهای نفسانی را مقهور احساسات و بینش و تفکر صحیح دینی و عقلانی کردند. همین یادگان دوکوهه و یادگانهای دیگر و میدانهای جنگ و سرتاسر کشور، شاهد دهها و صدها هزار نفر از آنها بوده است. امروز هم دیگران از شما یاد گرفته‌اند؛ امروز در سرتاسر دنیای اسلام آن کسانی که حاضرند در درون خود و در صف‌آرایی حق و باطل، حق را بر باطل پیروز کنند و غلبه دهند، کم نیستند. پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدس و چه در بقیه‌ی آزمایشهای بزرگ این کشور - این فضیلتها را در زمانه‌ی ما ثبت کرد. زمانه‌ی ما زمانه‌ی ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته‌اند. همین مادری که در فلسطین جوان خودش را می‌بوسد و به طرف میدان جنگ می‌فرستد، یک نمونه است. فلسطین سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما بر اثر ضعفها و به دلیل آنکه در میدان صف‌آرایی معنوی، جنود عقل نمی‌توانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلت شد و این وضعیت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلط شدند. اما امروز وضعیت فلسطین، به گونه‌ی دیگری است؛ امروز فلسطین به‌پا خاسته است؛ امروز ملت فلسطین - زن و مرد - در صف‌آرایی معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد.

#### بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

عاملی که می‌تواند کشور شما را در مقابل هر افزون‌طلبی، هر انحصارطلبی، هر تجاوز، هر ماجراجویی و هر بحران‌سازی حفظ کند، استحکام ساخت داخلی نظام است. همین‌طور است ارتباط بین آحاد و قشرهای مردم با مسوولان نظام، امید جوانان به آینده و گرفته شدن رخنه‌هایی که بتدریج موجب تضعیف نظام می‌شود. همان‌طور که عرض کردم، این کارها با تلاش زیاد انجام می‌گیرد و شما باید در محیط دانشگاه، مسأله‌ی علم و تحقیق را جدی بگیرید. این‌که دانشجوی عزیزی در صحبت خود به بودجه‌ی تحقیقات اشاره کردند و گفتند کم است و آن را به عنوان مطالبه و درخواست دانشجویان مطرح نمودند، مرا خوشحال می‌کند. در جلسه‌ی اساتید هم که بودیم، اتفاقاً همین را مطرح می‌کردند. این خیلی خوب است که جوان، دنبال تحقیق، کار علمی و پیشرفت علم باشد. بدون پیشرفت علم نمی‌شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می‌کنند. ما برای آرمانهای والا، ارزشهای حقیقی، فضایل انسانی و گسترش آنها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم. وحدت و ارتباط باید حفظ شود. کارهای اساسی‌ای که شروع کرده‌ایم، باید پیش برود.

### بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

با این توجه، ببینید نقش فعالیت‌های تبلیغاتی و تقابل نظری آمریکا با جمهوری اسلامی، از نظر آنها چقدر مهم است. آنها به تبلیغات و تقابل نظری احتیاج دارند، به بی‌ایمان کردن مردم نسبت به میانی نظام احتیاج دارند؛ همچنان‌که به بی‌اعتقاد کردن مردم نسبت به فضایل و پاینده‌های اخلاقی احتیاج دارند. اینها چیزهایی است که مردم را از نظام اسلامی جدا می‌کند و پیوند مستحکم بین نظام و مردم را از هم می‌گسند. امروز دشمنان ما همه نیروی خود را روی این گذاشته‌اند. البته این کار در مورد ایران آسان نیست؛ این را خود آمریکاییها هم می‌دانند. آنها می‌دانند که ایران نه عراق است، نه افغانستان و نه حتی مثل بعضی از کشورهای عربی دوست خود آمریکا، که آنها هم مورد تهدیدند. به‌هیچ‌وجه ایران قابل مقایسه با آن کشورها نیست. جمهوری اسلامی با یک کودتا سر کار نیامده است و محصول یک نظام تک حزبی نیست. جمهوری اسلامی را مردم به‌وجود آوردند و خود مردم آن را حفظ کردند.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

اگر بخواهیم تقوا را در زندگی - چون ادعای تقوا و بر زبان آوردن آن کافی نیست؛ واقعا باید متقی و پرهیزکار بود - و اعمال و رفتار خودمان بروز دهیم، مهمترین عرصه آن برای ما مسوولان، عرصه مسوولیت‌های اجتماعی و هدفهای انقلاب را به‌جد دنبال کردن است. انقلاب اسلامی هدفها و شعارهایی دارد که برای تحقق آن جانهای پاک و خونها فدا شده است. این هدفها رشد معنوی و مادی، ساختن دنیا و آخرت مردم و تاثیرگذاری بر روی آنها، تعالی اخلاقی، رسیدن کشور به نقطه‌ای که شایسته کرامت انسانی است و ایجاد فضایی برای رشد استعدادها و بهره‌بردن افراد از مواهب الهی - چه مواهب مادی و چه مواهب معنوی - است که از جمله آنها می‌توان به آزادی، علم و فضایل اخلاقی اشاره کرد.

### بیانات در دیدار اعضای شورای شهر و شهردار تهران / ۱۳۸۲/۰۹/۱۷

بخش دیگر مربوط به مسائل فرهنگی و اجتماعی تهران است. کار شهرداری فقط ساخت‌وساز نیست. خوشبختانه در زمینه مسائل فرهنگی هم شما در گزارش خود مواردی را ذکر کردید. مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر، بسیار مهم است. سعی کنید روح دیانت و اخلاق اسلامی را در فضای شهر تهران ساری و جاری کنید؛ این کاری است ممکن و گره‌گشای بسیاری از مشکلات است. خیلی از مشکلات ما ناشی از دور شدن از فضایل اخلاقی است. هرچه از فضایل اخلاقی فاصله بگیریم، مشکلات و گره‌های زندگی پیچیده‌تر و بیشتر خواهد شد. باید خود را به اخلاق اسلامی و ملکات فاضله اسلامی نزدیک کنیم و این در محیطهای فرهنگی شهرداری کاملاً امکانپذیر است؛ در کیفیت اداره‌ی بوستانهای شهری که ظاهر فرهنگی هم ندارد - محیطی است برای این‌که مردم بیایند از آنها استفاده کنند - امکانپذیر است؛ در فرهنگسراها و در نوع کارهایی که شهرداری در تهران می‌کند - نصب تابلوها، تبلیغات، رفت و آمدها، ترافیک و همه‌ی چیزهای دیگر از این قبیل - امکانپذیر است. شما می‌توانید با همه‌ی این وسایل، اخلاق فاضله را در مردم گسترش دهید. نیت را این قرار دهید، برنامه‌ریزی را بر اساس این بگذارید؛ خدای متعال هم کمک و الهام خواهد کرد تا بتوانید راههای صحیح را در این مورد پیدا کنید و پیش بروید.

### بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۹/۱۱

اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران - این‌که دیگران حقی دارند و باید حق آنها رعایت شود، یکی از خلقیات و فضایل بسیار مهم است - کرامت انسان، احساس مسوولیت، اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و شجاعت ملی، قناعت - یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به‌خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم - امانت، درستکاری، حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی - یکی از خلقیات خوب، زیبایی‌طلبی است؛ یعنی به دنبال زیبایی بودن، زندگی را زیبا کردن؛ هم ظاهر زندگی را و هم باطن زندگی را؛ محیط خانواده، محیط بیرون، محیط خیابان، محیط پارک و محیط شهر - نسی مصرف‌زدگی، عفت، احترام و ادب به والدین و به معلم.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

تقوا، درس جاودانه‌ی امیر مومنان است. اگر شما به نهج‌البلاغه مراجعه بفرمایید، ملاحظه خواهید کرد که هیچ دستورالعمل و توصیه‌ی در این کتاب عظیم به قدر تقوا تکرار نشده است. تقوا در واقع یکی از بلندترین فصول زندگی عملی امیرالمومنین و تعالیم زبانی آن بزرگوار است. تقوا یعنی مراقبت از خود. انسان دائم باید مراقب خود باشد؛ هم مراقب اعمال و رفتار خود - یعنی مراقب چشم خود، زبان خود، گوش خود، دست خود - هم مراقب دل خود باشد؛ مراقب عدم نفوذ خصال پست حیوانی، مراقب عدم میل دل به هوی و هوس، مراقب مجذوب و فریفته نشدن دل به جلوه‌های پست کننده‌ی انسان، مراقب حسد نوزیدن، مراقب بدخواه دیگران نبودن، مراقب وسوسه به دل راه ندادن، دل را جایگاه فضایل و ذکر خدا و عشق به اولیای الهی و عشق به انسانها قرار دادن؛ هم تقوای فکر و عقل داشته باشد؛ یعنی عقل را از انحراف نگهداشتن، از خطاها و لغزشها باز داشتن، از تعطیل و بی‌کاری نجات دادن، و خرد را در امور زندگی به کار بستن. پس مراقبت دائمی از جوارح، از دل و از فکر و مغز، تقواست.

خیلی از کارهایی که ما می‌کنیم و لغزشهایی که از ما سر می‌زند، بر اثر عدم مراقبت است. خیلی از گناهان را ما با قصد قبلی انجام نمی‌دهیم؛ از خود غفلت می‌کنیم، زبان ما به غیبت و تهمت و شایعه‌پراکنی و دروغ آلوده می‌شود؛ دست ما و چشم ما هم همین‌طور. بنابراین غفلت است که ما را در بلا می‌اندازد. اگر مراقب چشم و زبان و دست و امضا و قضاوت و نوشتن و حرف زدنمان باشیم، بسیاری از خطاها و گناهان بزرگ و کوچک از ما سر نمی‌زند. اگر مراقب دل خود باشیم، دچار حسد، بدخواهی، بددلی، کینه، بخل، ترسهای بی‌مورد، طمع به مال و منال دنیا و طمع به ناموس و مال دیگران در دل ما رسوخ نمی‌کند. این مراقبت در انسان، جاده‌ی نجات است. عاقبت نیک، در سایه‌ی این مراقبت به دست می‌آید؛ «و العاقبه للمتقین». اگر این مراقبت در انسان باشد، امکان گناه از او بسیار کم می‌شود. عدالت یک انسان هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد؛ استقامت یک انسان و یک ملت هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد؛ حق‌جویی و حق‌پوی هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد. این مراقبت و این تقوا مادر همه‌ی نیکی‌هاست؛ هدایت هم به خاطر این مراقبت ایجاد می‌شود؛ پیشرفت دنیا و آخرت هم ناشی از همین مراقبت است. وقتی مراقبت کنیم، فکر ما هم بیکار نمی‌ماند؛ دل ما هم به راه کج نمی‌رود؛ جوارح و اعضا ما هم خطا و لغزش پیدا نمی‌کند یا کم پیدا می‌کند. دنیا و آخرت زیر سایه‌ی تقواست؛ این درس امیرالمومنین است. امروز ما به این درس نیاز داریم؛ نه فقط امروز، بلکه همیشه نیازمندیم؛ اما این مقطع زمانی برای ما مهم است.

ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده‌ی راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مومن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسانها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای

واقعی کلمه اسلامی شود.

#### بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج / ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

با خدا باشید؛ دل به خدا بسپارید؛ توکل‌تان را به خدای متعال از دست ندهید؛ به نیروی عظیمی که خدای متعال در دل شما، در ذهن شما، در اراده شما، در وجود شما و در جسم شما به ودیعه قرار داده است، باور و ایمان بیاورید و بدانید با این نیرو می‌توانید کوه‌های عظیم را جابه‌جا کنید. اقیانوس ملت ایران ممکن است گاهی آرام به نظر برسد؛ اما اگر طوفانی شد، سونامی‌ها به وجود خواهد آورد. اگر این اقیانوس عظیم با تکیه بر اعماق دینی و ایمانی‌اش به طوفان برخیزد، جوانهای ما کارهای بزرگی انجام می‌دهند. این کارهای بزرگ فقط در میدان جنگ نیست - یک نمونه مربوط به میدان جنگ است - در میدان علم هست؛ در میدان مسائل اجتماعی هست؛ در میدان مسائل فرهنگی هست؛ در ایجاد فضائل اخلاقی و گسترش این فضائل در میان مردم هست؛ در میدان فناوری و پیشرفت‌های علمی و فنی هست. این کارها و این معجزه‌ها همه از شما جوانها برمی‌آید؛ از شما ملت عزیز ایران برمی‌آید؛ از بسیج جوان و پیر و زن و مرد برمی‌آید. ملت ایران نمادش بسیج است و همه‌ی ملت ایران در واقع اجزای بسیج‌اند. خدای متعال روح امام بزرگ و راحل ما را شاد کند که این بنیان رفیع را او پی‌ریزی کرد و این نهال را او پرورش داد و آبیاری کرد، که امروز به این درخت تناور تبدیل شده است.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۶/۱۱

روز مبعث، عید همه است؛ نه فقط عید مسلمانان. ولادت هر پیغمبری و بروز هر بعثتی، عید و روز نو برای همه‌ی بشریت است. پیغمبران الهی هر کدام که آمدند، قافله‌ی سرگردان بشری را به سوی کمال و علم و اخلاق و عدالت راندند و آنها را یک قدم به مراحل کمال انسانی نزدیک کردند. همه‌ی خردورزی‌های بشر در طول تاریخ، ناشی از تعالیم پیغمبران است. خلقیات انسانها - که قدرت ادامه‌ی حیات را برای آنها فراهم می‌کند - و فضائل اخلاقی، همه تعالیم پیغمبران است. اندیشه‌ی توحید و عبودیت در مقابل خدا، درس پیغمبران است. پیغمبران زندگی را برای انسانها آماده کرده و آن را به میدان رشد و حرکت و تکامل تبدیل کردند؛ و نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خاتم پیغمبران و آورنده‌ی سخن نهایی و پایان‌ناپذیر برای بشریت است.

منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنیاک این است. مظهر بیداری اسلامی کسانی نیستند که با چهره‌ی عبوس و گرفته‌ی خود با همه‌ی دنیا - حتی با مومنین و مسلمین - مواجه می‌شوند؛ عده‌یی را تکفیر می‌کنند؛ عده‌یی را با قوم‌گرایی، عده‌یی را با طایفه‌گرایی، عده‌یی را به بهانه‌های نادرست مورد تهاجم قرار می‌دهند. وجود اینها بشدت مشکوک است، که اصلا چنین کسانی هستند یا در واقع همان عوامل سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا و انگلیس‌اند که دارند این‌طور فعالیت می‌کنند؛ چهار نفر آدم غافل را هم دستخوش فعالیت خودشان کرده‌اند. این هم واقعیتی است که نمی‌شود آن را انکار کرد.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۸۴/۰۷/۲۹

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوییم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعا است.

...

دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلا دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند.

#### بیانات در دیدار فاتحان قله‌ی اورست / ۱۳۸۴/۰۸/۲۰

احترام به قهرمان، شخص‌پرستی نیست، تشویق انسان‌هاست برای حرکت به این سمت - که فوایدی برای کشور دارد - در زمینه‌های معنوی هم همین‌طور است؛ یعنی وقتی ما اراده و عزم یک جوان مسلمان یا یک بانوی مسلمان را تجسم می‌دهیم و نشان می‌دهیم که چه عزم راسخی او را به این عرصه کشانده، این، تقویت اراده را در سطوح متوسط جامعه زمینه‌سازی می‌کند. البته در این کار، فضایل اخلاقی دیگری هم وجود دارد؛ کار دسته‌جمعی، توکل، اعتماد به نفس؛ همه‌ی اینها خصوصیات است که آمیخته‌ی از همه‌ی این خصوصیات در وجود یک ورزشکار که چنین کارهای بزرگی را انجام می‌دهد، نشان داده می‌شود؛ یعنی در واقع یک مجموعه‌ی در هم تنیده‌ی از احساسات درست، از خلقیات والا در یک ورزشکاری که به یک چنین ورزش بزرگی و کار بزرگی دست می‌زند، هست.

#### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۲/۲۹

پیرایش چهره‌ی فرهنگی کشور، یکی از مسائل عمده‌ی ماست. چهره‌ی فرهنگی کشور باید چهره‌ی نورانی، اسلامی و کاملا منطبق با فضیلت‌های اخلاق اسلامی باشد؛ این یکی از خلاهای ماست.

#### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۲/۲۹

پرچم برادری اسلامی را با همه‌ی ملت‌های اسلامی بلند کنیم و فضیلت‌های اخلاقی را در جامعه رشد بدهیم؛ همکاری، گذشت، کمک، صبر، حلم؛ اینها خلقیات اسلامی است؛ اینها را در جامعه رشد بدهیم. این، همان ایمان و هویت اسلامی و انقلابی است که اصل اول است.

#### پیام به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان / ۱۳۸۵/۰۶/۲۲

عزیزان دانشجوی هرچه زمان می‌گذرد و نظام نو خاسته و پر توان جمهوری اسلامی، با تجربه‌های انبوه زندگی بشر، تماس بیشتری می‌یابد، حقانیت صدق وعده‌های الهی و تخلف‌ناپذیری سنت‌های قرآنی آشکارتر می‌گردد. در معادلات بشدت پیچیده و درهم تنیده‌ی روابط انسان‌ها و جامعه‌ها و پدیده‌ها و اقدام‌ها، بارزترین و کارآمدترین نقش، از آن؛ ایمان، عزم، جهاد است. در هر نقطه از جهان و برای هر هدف و آرمان، این سه رانشرگر در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند. آن هدف، به دست آمده و راه تا سر منزل مقصود، طی شده است. جامعه‌ئی که عدالت، معنویت، عزت و استغنا را سرلوحه‌ی هدف‌های خود می‌داند، از آراسته شدن به ایمان و عزم و جهاد، ناگزیر است. این همان سه درس جاودانه‌ی اسلام به پیروان خود و به همه‌ی بشریت است و همین است که یک روز مسلمانان را بر قله‌ی افتخارات تاریخی نشانید و امروز آنان را از اسارت هوسهای خوارکننده و هوسرانهای بر کرسی تحکم نشسته، نجات خواهد داد. دل پاک و امیدوار، و ذهن بی‌شائبه و روشن، و جسم سالم و توانمند شما جوانان، دارای شایسته‌ترین ظرفیت برای آن سه عنصر محوری است. نگذارید بی‌ایمانی و تردید و بی‌عملی در این طرف گرانها جای بگیرد، و نگذارید دشمنان عدالت و نابینایان معنویت و به زنجیر کشانندگان ملت‌ها و غاصبان بین المللی حقوق انسانها، در جنگ شرارت آمیزشان برای حفظ زر و زور ناحق خود، پیروز شوند.



**بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۶/۳۱**

عمل، هم می‌تواند ظلمانی باشد هم می‌تواند نورانی باشد؛ ذهن و فکر و عقاید انسان می‌تواند نورانی باشد، می‌تواند ظلمانی باشد؛ خلقیات و صفات انسان می‌تواند ظلمانی باشد، می‌تواند نورانی باشد؛ حرکت اجتماعی یک ملت می‌تواند به سمت ظلمات و تاریکی باشد، می‌تواند به سمت نور باشد. اگر بر ملتی، بر کشوری، بر هیأت حاکمه‌ای، بر فردی، شهوات غالب شد، خشونت ناشی از حیوانیت غالب شد، حرص غالب شد، دنیا‌داری و دنیاطلبی غالب شد، این ظلمات است؛ حرکت ظلمانی است، جهت ظلمانی است، هدف هم ظلمات است. اگر نه، معنویت غالب شد، دین غالب شد، انسانیت غالب شد، فضائل اخلاقی غالب شد، خیرخواهی غالب شد، صدق و راستی غالب شد، این می‌شود نورانیت. اسلام و قرآن ما را به این دعوت می‌کنند. خدای متعال و ملائکه او ما را برای این تجهیز می‌کنند که از آن ظلمات خلاص کنند و ما را وارد این وادی نور کنند.

**بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشکده‌ی افسری امام علی (ع) / ۱۳۸۷/۰۷/۲۸**

وظائف یک فرد مسلح در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، فرا گرفتن خوب، انضباط خوب، آمادگی همیشگی و اخلاص و صفا و نورانیت معنوی است؛ همه‌ی اینها را با هم برای خود گردآوری کنید. فرصت جوانی را برای آراسته شدن به این فضائل بزرگ مغتنم بشمارید. امروز شما در بهترین سالهای عمرتان قرار دارید و با کسب فضائل معنوی‌ای که برای یک انسان فداکار مومن و یک انسان سربلند در مقابل خدا و خلق لازم است، می‌توانید بندگان شایسته‌ی خدا و مردان بزرگ دوران خود باشید. ارتش جمهوری اسلامی ایران به مردان بزرگی که بتوانند وظائف با اهمیت و با عظمت این سازمان را بر دوش بگیرند، همیشه نیازمند بوده است و بحمدالله در طول دوران پس از انقلاب تا امروز، از چنین مردانی برخوردار هم بوده است؛ بعد از این هم شما را باید این بارهای سنگین را بر دوش بگیرید.

**خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۸/۰۶/۲۹**

به اخلاق خودمان هم برسیم؛ به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه مناسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی - که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر میشود - روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات.

**بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت(ع) / ۱۳۹۰/۰۲/۰۳**

امروز ما محتاج نصیحتیم. برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلقیات خوب، برای اعتلای روحیه‌ی همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه‌ی دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. اینها را از کی یاد بگیریم؟ پایه‌های اخلاق در کلمات ائمه (علیهم‌السلام) است، در رفتار ائمه (علیهم‌السلام) است. ما اخلاق را در جامعه رشد بدهیم؛ مردم را به خیرخواهی، به امید، به تعاون، به اخوت، به صبر، به حلم، به شکر، به احسان، به ایثار، به گذشت دعوت کنیم؛ از اخلاق بد، از تنگ‌نظری، از ناامیدی، از بدبینی، از بدخواهی برای این و آن، از حسد، از بخل و بقیه‌ی سیئات اخلاقی، مردم را پرهیز بدهیم. این کار با زبان شعر خیلی بهتر است و بهتر ادا میشود تا زبان نثر و زبان نصیحت‌آمیز. گوینده‌ای مثل ما بنشینند به مردم نصیحت کند، خیلی معلوم نیست تاثیر عمیقی ببخشد؛ اما وقتی خواننده‌ی همین مضمون را در یک شعر زیبا و خوب و با لحن خوب بیان میکند، مثل آب گوارانی است که انسان مینوشد؛ تمام سلولهای بدن انسان از این آب بهره‌مند میشود، تا اعماق وجود انسان اثر میگذارد. البته اخلاقیات باید تکرار شود. گفتن اثر دارد، شنیدن اثر دارد؛ اما این اثر، دائمی و ابدی نیست؛ موثرات دیگری هم در جامعه هست که در جهت عکس آن کار میکند. لذا بایستی اخلاقیات هی گفته بشود، باز گفته بشود، باز تکرار بشود.

**بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲**

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس میکرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام میداد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱، امام اینچور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام میدهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار میکردند. امام ماها را امر میکردند به این که اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن‌ظن به پروردگار باشیم. برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، به طور محسوسه‌ی در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه کردن دل و جان مظهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر میکرد و میگفت؛ ما در محضر خدا هستیم. عالم، محضر خداست. عالم، محل حضور جلوه‌های الهی است. همه را به این راه سوق میداد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق میداد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت میکرد، به مردم هم سفارش میکرد، به مسئولین هم سفارش میکرد. امام ماها را توصیه میکردند به این که مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، بی‌عیب ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه‌ی مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۳**

امروز به واقعیت که نگاه میکنیم، می‌بینیم ته، حقا و انصافا اختلالهایی وجود دارد. البته من این را به شما بگویم، بارها هم در اعلاناتهای عمومی گفته‌ام - که همان عقیده‌ی قلبی و عمیق خود بنده است - من به این نسل جوان خودمان خیلی اعتقاد دارم. من معتقدم با این همه عوامل مخرب، در عین حال نسل جوان ما نمایشهای دینی و اعتقادی‌اش بمراتب عمیق‌تر، جذاب‌تر و پرمغزتر و پرمعناتر است. حالا همین روزها، روزهای اعتکاف است؛ ماه رمضان یک جور دیگر، ایام توسلات یک جور دیگر، نوع ورودشان در میدانهای مقابله‌ی نظام با دستگاه‌های بین‌المللی یک جور دیگر است. بنابراین هیچگونه اختلالی در اعتقاد بنده نسبت به این مردم و به این جوانها به وجود نیامده و ان‌شاءالله به وجود نخواهد آمد؛ لیکن واقعیتها را باید نگاه کرد و دید. ما ظرفیتمان بیش از اینهاست، ما توانایی‌مان بیش از اینهاست. ما بایستی کاری کنیم که اخلاق اسلامی در جامعه رائج شود. وقتی می‌گوئیم انقلاب اسلامی، خوب، اسلام یک بخشش اخلاق است. پس بایستی رسالت اخلاقی انقلاب در جامعه تحقق پیدا کند.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

در زمینه فرهنگ، اخلاق عمومی و عدم رواج فضائل اخلاقی، مشکلاتی داریم. باید روزبه‌روز فضائل اخلاقی در بین ما رشد کند. صبر ما، شکر ما، ذکر ما، احسان ما، مروت ما نسبت به دیگران، اجتناب ما از ایذا دیگران، میل ما به خدمت به دیگران، روزبه‌روز باید در بین جامعه رشد پیدا کند. اینها به خودی خود پیش نمی‌آید؛ اینها کار لازم دارد، تلاش لازم دارد. در این زمینه‌ها کوتاهی داریم. رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرانی در جامعه، رشد یا عدم توقف میل به خشونت در برخی از بدنه‌های جوان کشور، مضر است. ما فیلمهایی پخش میکنیم که خود آن کسانی که سازنده‌ی این فیلمها هستند، به خودشان هشدار میدهند و میخواهند خطر این فیلمها را که تولید خشونت در جامعه است، متوقف کنند؛ ولی ما حالا داریم اینها را منتشر میکنیم! اینها مضر است. بچه‌های ما از اول با خنجر و با قمه و با اسلحه‌ی گرم - البته پلاستیکی‌اش - آشنا بشوند، انس پیدا کنند، یاد بگیرند؛ خوب، اینها خطرات دارد، اشکالات دارد، تبعات دارد، در جامعه آثارش را هم می‌بینیم؛ این جزو ضعفهای ماست.

چند سال پیش من در یکی از مجلات آمریکائی دیدم که مصلحینی در آنجا پیشنهاد کرده بودند که این فیلمهای رائج غالب هالیوودی را که در آنها یا شهوت بود یا خشونت، یواش یواش کم کنند و فیلمهای خانوادگی، فیلمهای معصومانه و نجیبانه را رائج کنند. آنها به فکرند، حالا ما تازه از آنها یاد گرفته‌ایم!

### بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

روحانیون و طوائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته‌ی اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با اراده‌ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده‌ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس جمهور شدید، در مقام رئیس جمهور یک وظیفه‌ی دیگری دارید، در مقام قاضی یک وظیفه‌ی دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیا با مردم حرف بزنید؛ با تحکم نباید باشد، با روحیه‌ی سیاسی‌کارانه نباید باشد.

### بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تاثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و میراث از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»؛ انسانها به عبودیت برسند. «ل‌يعبدون» را معنا کردند به «ل‌يعرفون». این معنایش این نیست که «عبد» به معنای «عرف» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والاتی است. خوب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مفوله‌ی دیگری و بحث دیگری است.

### بیانات در دیدار افشار نمونه بسیج سراسر کشور / ۱۳۹۰/۰۹/۰۶

بسیج سیاسی است، اما سیاست‌زده نیست، سیاسی‌کار نیست، جناحی نیست؛ بسیج مجاهد است، اما بی‌انضباط نیست، افراطی نیست؛ بسیج عمیقاً متدین و متعبد است، اما متحجر نیست، خرافی نیست؛ بسیج با بصیرت است، اما از خودراضی نیست؛ بسیج اهل جذب است - گفته‌ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست؛ بسیج غیور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسیج طرفدار علم است، اما علم‌زده نیست؛ بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است، اما ریاکار نیست؛ بسیج در کار آبادکردن دنیا است، اما خود اهل دنیا نیست. این شد یک فرهنگ.

### بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

واقعاً اگر انسان بخواهد کارهای کشور را، این بخشها و قسمتهای گوناگون کشور را تقسیم‌بندی کند و به حسب اهمیت، موقع اینها را مشخص کند، آن بالا‌بالاها آموزش و پرورش قرار میگیرد. جوان ما به آموزش و پرورش بستگی دارد، اخلاق ما به آموزش و پرورش بستگی دارد. یک عده‌ای مینالند از این که چرا ما از لحاظ اخلاقی جلو نمی‌رویم. البته این درست است، ما هم قبول داریم که باید در زمینه‌ی اخلاقی جلوتر رفت؛ منتها یکی از شرائطش این است که ما برای جوانانمان الگو داشته باشیم. بعضی‌ها با رفتارهای خود، با عملکرد خود، با اظهارات خود، الگوهای بدی برای جوانان ما میشوند. الگوسازی، یکی از اساسی‌ترین کارهاست. ما الگوهای خوب خیلی داریم. اینقدر جوانان خوب، اینقدر چهره‌های نورانی - در تاریخ که بماند - در زمان خودمان داریم که همین قدر کافی است با تعریف هر کدام از اینها - تعریف به معنای معرفی کردن - یک چهره‌ی برجسته و یک الگو جلوی جوانانمان بگذاریم. اینها جوانانه‌ی بودند که از پیشروان خودشان جلو افتادند؛ جوانانه‌ی که پای درس بنده و امثال بنده نشستند، اما صد پله از ما جلو رفتند؛ ما وعده کردیم، آنها عمل کردند؛ ما یاد دادیم، آنها عمل کردند؛ ولی خودمان عمل نکردیم. چقدر از این جوانان، چقدر از این شهدا کسانی بودند که از امثال ماها چیزی یاد گرفتند، اما آنها بهتر از ما شدند، جلوتر از ما شدند، بیشتر به کشور آبرو بخشیدند، پیش خدا بیشتر آبرو پیدا کردند؛ «چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد»؛ وعده را ما کردیم، او عمل کرد. ما این همه جوان خوب داریم؛ اینها را یکی یکی در بیاورند، بگذارند جلوی جوان نسل حاضر؛ غیرت او را، همت او را، صداقت او را، سلامت او را، فداکاری‌های او را، بینش والای او را، رفتار نیک او را با مردم، با هموعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، بگذارند جلوی چشم جوان نسل امروز؛ خود این آموزنده است.

### بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور / ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

آنچه بنده توصیه میکنم این است که توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج را باید بالا برد؛ الزاماتی وجود دارد؛ الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسانها به کار ببریم. امام صادق (علیه‌السلام) به اصحابش میفرمود: جوری عمل کنید در بین مردم که هر کس شما را میبیند، بگوید اینها یاران امام صادقند، رحمت خدا بر امام صادق، مایه‌ی تحسین برای ما بشوید. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوانان، شما عناصر پاک، شما دل‌های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم - که خیلی‌هایشان همانطور که گفتیم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند - باید جوری باشد که بگویند اینها پرورش‌یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی. این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصل نیک در خود، برخورد مهربان

و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدی در همه‌ی جبهه‌ها - هم در جبهه‌ی علم، هم در جبهه‌ی فعالیتها و خدمات مردمی، هم در جبهه‌ی کار، هم در جبهه‌ی سیاست، هم در جبهه‌ی تولید - در هر جا که حضور دارید، کار جدی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی؛ کار کنیم.

#### بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور / ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

آنچه بنده توصیه می‌کنم این است که توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج را باید بالا برد؛ الزاماتی وجود دارد؛ الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسانها به کار ببریم. امام صادق (علیه الصلاه و السلام) به اصحابش می‌فرمود: جوری عمل کنید در بین مردم که هر کس شما را ببیند، بگوید اینها یاران امام صادقند، (۱) رحمت خدا بر امام صادق، ماهی‌ی تحسین برای ما بشود. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوانها، شما عناصر پاک، شما دل‌های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم - که خیلی‌ها ایشان همان‌طور که گفتم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند - باید جوری باشد که بگویند اینها پرورش‌یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ ماهی‌ی جلب محبت، ماهی‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی.

#### بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم عسکراولادی / ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

مرحوم عسکراولادی از لحاظ خلقیاتی، انسان اخلاقی دینی بود، یعنی آدم صبوری بود، آدم بسیار متینی بود، آدم بسیار باانصافی بود - که این را ما در رفتارهای ایشان می‌دیدیم - آدم مراقبی بود؛ مراقب خودش بود، مراقب حرف زدنش بود - اینها خیلی مهم است که هرچه از دهنمان درمی‌آید نگوییم و نبرانیم - و خود را کنترل می‌کرد؛ این هم جنبه‌ی دوم که جنبه‌ی اخلاقی است، که این اخلاق، روح دین است؛ اخلاق انسانی برای هر انسانی روح دینداری او است؛ بعثت لایتم مکارم الاخلاق؛ (۱) مکارم اخلاق یعنی همین، یعنی انسان صبور باشد، متین باشد، باانصاف باشد، خوش ذات باشد، نسبت به مردم خیرخواه باشد، خدوم باشد، اهل کار باشد، متکبر باشد، پیشرو باشد، تنبلی نکند؛ اینها همین اخلاقیات اسلامی است؛ همه‌ی اینها در آقای عسکراولادی بود.

#### بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین / ۱۳۹۲/۰۹/۰۶

من دعوت می‌کنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک‌دامنی. بسیجی‌ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژ پایدار و استواری در مقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایتها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را در نظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تفرعن دوری کنیم. مالک‌اشتر با آن مقام، با آن شجاعت، با آن جایگاهی که نزد امیرالمومنین داشت، در کوچه حرکت می‌کرد، یک پسرچی‌ای او را نشناخت، مسخره‌اش کرد، شاید سنگ‌ریزه‌ای به طرفش پرتاب کرد؛ مثلاً دید یک آدمی دارد می‌رود، بنا کرد مسخره کردن؛ بعد مالک‌اشتر رد شد، افرادی که آن منظره را دیدند، به پسرک گفتند فهمیدی چه کار کردی، فهمیدی چه کسی را مسخره کردی، پسرچی نمی‌شناخت مالک اشتر را، گفت نه؛ گفتند این مالک‌اشتر بود؛ پسرچی دست‌پاچه شد؛ حالا خودش تنها یا خودش و پدرش مثلاً یا دوستانش دوان دوان آمدند که یک‌جوری عذرخواهی کنند که برایشان ماهی‌ی دردسر نشود؛ دنبال مالک‌اشتر راه افتادند، دیدند به مسجد آمده، دارد نماز می‌خواند؛ رفتند جلو و بنا کردند عذرخواهی کردن؛ مالک‌اشتر گفت من آدم مسجد برای اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خدای متعال خطای این جوان را ببخشاید! ببینید، این دلسوزی، این احساس مسئولیت، این حلم، این بزرگواری، اینها است. من و شما هم باید همینها را یاد بگیریم.

#### بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت‌های برجسته اخلاقی / ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

و بهذا الاسناد عن ابی‌قتاده قال:

این چند حدیثی که روزهای قبل خواندیم و این [حدیثی] که امروز می‌خوانیم، سندهای صحیح و بسیار معتبری دارد؛ ابی‌قتاده هم ثقة است.

قال ابو‌عبدالله علیه‌السلام لداود بن سرحان: یا داود ان خصال المکارم بعضها مقید ببعض

[امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: بعضی از مکارم اخلاق و خصلتها بستگی به بعضی دیگر است، یعنی با هم ارتباط دارد؛ یا ارتباط علی و معلولی دارد که یکی علت آن دیگری است، یا به نحوی ارتباط عملیاتی و رفتاری با همدیگر دارند.

یقسمها الله حیث یشاء

اینها را هم مثل بقیه‌ی چیزها از خدا بدانید؛ این را هم خدا می‌دهد. بله، کار خدای متعال بی‌حکمت نیست و رفتار ما، اختیار ما، و اراده‌ی ما در ایجاب رحمت الهی تاثیر دارد لکن بالاخره آنچه به ما داده میشود، از همه‌ی مکارم، از همه‌ی خوبی‌ها، از همه‌ی نعم - از جمله مکارم اخلاق - از طرف خدا است، خداوند تقسیم میکند؛ به شما یک چیزی می‌دهد، به دیگری یک چیز می‌دهد، به آن دیگری یک چیز [دیگر] می‌دهد.

تكون فی الرجل و لا تكون فی ابنة

گاهی یک صفت خوبی در پدر هست، در پسر نیست، اینکه حالا می‌گویند زن یا زن [خوب]! اینها خیلی اعتباری ندارد. گاهی اوقات پدر یک صفت خوبی دارد، پسر ندارد؛ عکسش هم هست که پسر یک صفت خوبی دارد که پدر ندارد. اینها ایجاب الهی و انعام الهی است.

و تكون فی العبد و لا تكون فی سیده

این جور هم نیست که موقعیت اجتماعی و شان اجتماعی هم تاثیر داشته باشد؛ نه، گاهی یک صفت خوبی را یک برده‌ای دارد که سید او، ارباب او ندارد. مستخدم شما گاهی اوقات یک خصوصیتی دارد که شما آن خصوصیت را ندارید. یک صفت خوبی در فرد زبردست ما هست که آن صفت در ما نیست؛ یعنی او بالاتر از ما است. خب، حالا این صفات و مکارم اخلاق که این قدر هم درباره‌اش فرموده‌اند، چه چیزهایی است؟ چند صفت را حضرت بیان می‌فرمایند. اینها واقعا همان جلوه‌های درخشان اسلام است؛ لب اسلام اینها است. این خصوصیات [است] که انسانهای برجسته می‌سازد و به برکت وجود انسانهای برجسته در یک اجتماع، در یک جامعه‌ی بشری، نظام اجتماعی برجسته به وجود می‌آورد و [اگر] انسانهای کریم، انسانهای شجاع، انسانهای باگذشت، انسانهای صادق در یک جامعه‌ای باشند، این جامعه، جامعه‌ی برجسته‌ای میشود؛ [البته] عکسش هم صادق است. واقعا انسان باید اینها را مثل در و گوهر گرانبها روی چشمش بگذارد و به دنیا عرضه کند. حالا این صفات چیست؟ اول:

صدق الحدیث

راستگویی. الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافا بهتر و پاکیزه‌تر و طاهرت‌تر است اما در عین حال شما ببینید خیلی از



مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن همین صفت است؛ صدق‌الحدیث نیست، راستگویی نیست، راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که می‌زنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمی‌دانید مطابق واقع است یا نیست اما می‌گویید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما چیزی را که میدانید مطابق واقع است، بیان می‌کنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، یک فضای دروغ در کشور به وجود می‌آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اول «صدق‌الحدیث» [یعنی] همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم. دوم:

#### و صدق الناس

با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقرب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صدق الناس» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی‌مان، سیاسی‌مان، انتخاباتی‌مان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد؛ «و صدق الناس». این هم دوم.

#### و اعطا السائل

[اگر سائل] از شما چیزی خواست، به او بدهید اگر چنانچه می‌توانید. یک وقت یک فقیری است که از شما سوال نکرده، خب [اگر] به او کمک کنید خوب است اما اگر چنانچه از شما درخواست کرد -سوال کرد یعنی درخواست کرد- آن وقت این مکرمت بزرگی است و او را رد کردن، خلاف مکرمت انسانی است.

#### و المكافه بالصنائع (۱)

«صنیعه» یعنی کارهای نیک؛ خدمت‌های نیک به دیگران را می‌گویند «صنیعه». «مکافه» به صنایع بکنید» یعنی [اگر] کسی به شما نیکی کرد، شما هم در مقابل به او نیکی کنید. این جور نباشد که نیکی دیگران را با اهمال و احوانا با بدی پاسخ بدهیم. [اگر] کسی به ما نیکی کرده، خب در مقابل باید به او نیکی کنیم. این هم سوم.

### بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله «حیا» / ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

دنباله‌ی حدیث ابی‌قتاده -و صدق‌الحدیث و صدق الناس و اعطا السائل و المكافه بالصنائع- است که دیروز عرض کردیم. بعد [در ادامه] می‌فرماید:

و اذا الامانه

امانت، صرفاً امانت مالی نیست. اگر چنانچه کسی یا کسانی، شما یا بنده را در یک امری امین دانستند، این امر امانت در نزد ما است. یک وقت است که این امر پولی است که به ما می‌دهند تا برایشان نگه داریم، این امانت در پول است؛ یک وقت یک امر ناموسی است، امانت در ناموس است؛ یک وقت یک امر معنوی است [مثلاً] فرض کنید که بنده و شما را امین میدانند، یک مسئله‌ی شرعی از ما می‌پرسند؛ و امانت اقتضا می‌کند که درستش را بگوییم؛ [یک وقت] درسی پیش شما می‌خوانند، امانت اقتضا می‌کند که درستش را [بگوییم]، مسئولیت‌های اجتماعی که دیگر کاملاً روشن است. پس ادا امانت یکی از آن کارهایی است که گستره‌ی وسیعی دارد. این هم یکی از آن خلقیات و مکارمی است که حضرت اشاره فرمودند.

#### و صله الرحم

صله‌ی رحم هم یکی از وسایل ارتباط اجتماعی و شبکه‌ی پیوند اجتماعی است. اگر چنانچه خویشاوندان با همدیگر ارتباط داشته باشند، طبعاً آنها‌یی که اهل نیکی و نیک‌رفتاری و نیک‌گفتاری هستند، چیزهای خوبی را به همدیگر می‌توانند منتقل کنند.

#### و التودد الی الجار و الصاحب

با همسایه، با «صاحب» -یعنی آن که در سفرمان، در محل کارمان، در رفت‌وآمدهای روزانه‌مان با ما همراه است- تودد کنیم، مهربانی کنیم، ابراز مودت بکنیم؛ این خیلی مهم است. فرض بفرمایید کسی که با شما همراه است، راننده‌ی شما است یا محافظ شما است یا دوست شما است که همراه شما است؛ با او باید تودد کرد، باید ابراز محبت کرد.

#### و قری الضیف

یکی هم پذیرایی از مهمان است؛ مهمان‌داری و مهمان‌پذیری است که این از خصوصیات است که در اسلام هست که مهمان را معتبر و محترم بشمرند.

#### و راسهن الحیا

از همه‌ی این صفات بالاتر و در راس آنها «حیا» است. ببینید [این] چقدر اهمیت دارد، و چقدر فاجعه‌بار است سیاستی که امروز در دنیا به وسیله‌ی عوامل قدرتهای ضد بشری برای زدودن حیا رایج است؛ واقعا الان با یک سیاستی، با یک تدبیری، در همه‌ی دنیا دارد کار انجام می‌گیرد برای اینکه حیا را از بین مردم بردارند. وقتی هم که می‌خواهند حیا را بردارند، این شعبی دارد و از راه‌های مختلف و ده‌ها راه وارد میشوند؛ مسئله‌ی اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله‌ی پوشش زن و مرد یک مسئله است، چیزهایی که تحت عنوان حقوق زن بیان میشود، یکی از این پنجره‌های شیطانی است، [همچنین] چیزهایی که در مورد پوشش زن بیان میشود که «آقا چرا مجبور می‌کنید زنها را به حجاب؟» حرفهایی که حتی بعضی از افراد ظاهرالصلاح هم می‌گویند. مسئله‌ی حیا خیلی مسئله‌ی مهمی است. دنیا این جور نبوده که امروز هست. حتی انسان آثار هنری و ادبی اروپایی‌ها را که نگاه می‌کند، تا ۱۵۰ سال پیش، ۲۰۰ سال پیش مطلقاً این خیرها در اروپا نبوده؛ این فساد و این تهتک و این تخریب را عمدتاً از وقتی که صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها بر امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مسلط شدند، بتدریج رایج کردند؛ انگیزه‌هایی هم دارند، اهدافی دارند که آن داستان خیلی طولانی و مفصلی است. اسلام نقطه‌ی مقابل این است. حیا برای مرد فضیلت است، برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرت‌ها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیا را ملاحظه کند. بی‌حیائی یکی از آن چیزهایی است که در حرف زدن و در نسبت دادن و در گفتگو کردن و مانند اینها خودش را نشان می‌دهد. در عمل هم همین جور است؛ بعضی‌ها هستند که کارهای زشت بزرگی را انجام می‌دهند، و نگاه می‌کنند در چشم آدم و هیچ احساس شرم هم از این کار نمی‌کنند! بعضی از جنایات مالی است، بعضی از جنایات انسانی است؛ انواع و اقسام، بنابراین راس صفات و مکارم اخلاق را فرمودند حیا [است]؛ و راسهن الحیا. (۱)

### بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره وظیفه‌ی ثروتمندان / ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

عن داود بن سرحان قال: کنا عند ابی عبد الله علیه السلام اذ دخل علیه سدید الصیرفی فسلم و جلس

سند این روایت جزو سندهای بسیار خوب است. البته سدید صیرفی توثیق نشده است اما اهمیتی ندارد، چون او راوی نیست؛ راوی داود بن سرحان است که داوود

رقی است که ثقه است، سند هم سند خوبی است. میگوید خدمت حضرت بودیم، سدیر صیرفی وارد شد. سدیر صیرفی اهل صرافی بوده -صیرفی یعنی صراف و کسی که دینار و نقره و مانند اینها میخرد و میفروشد- و قاعدتا آدم پولداری بوده. [سلام کرد و نشست].

فقال له یا سدیر ما کثر مال رجل قط الا عظمت الحجة لله تعالی علیه

بمجردی که نشست، ظاهرش این است که حضرت بی‌مقدمه، بدون اینکه او سوالی کرده باشد و حرفی زده باشد، رو کردند به او و فرمودند که ای سدیر! هر کسی که پولش زیاد شد، مالش زیاد شد، حجت خدا بر او زیاد خواهد شد؛ چون «اخذ الله عی العلماء الا یقاروا علی کظه ظالم و لا یسغب مظلوم»؛ (۱) خدای متعال عهد و پیمان گرفته از علما -علما هم فقط به معنای فقها نیست- از دانشمندان، دانایان، زیدگان، نخبگان جامعه که بر گرسنگی گرسنگان و سیری و پری سیران و اغنیا صیر نکنند، اعتراض کنند. یک ظالم ثروتمند شکم پری و مظلوم گرسنه‌ای را اگر دیدند [اعتراض کنند]. خب این حجت خدا است دیگر، این عهد و پیمان الهی است. حضرت اینجا به سدیر فرمود: اگر مال کسی زیاد شد، حجت خدا بر او بزرگ خواهد شد، سنگین خواهد شد، خدای متعال بر او احتجاج خواهد کرد. حالا کسی که مال ندارد، یک جور است، کسی که مال دارد، طبعاً وضعیتش فرق میکند؛ وظیفه دارد.

فان قدرتم ان تدفعوها عن انفسکم فافعلوا

اگر میتوانید این مال زیادی را که دارید، از خودتان دور کنید، دفع کنید، بکنید. خب، چه جوری دفع کنیم؟ مثلاً بریزیم پولها را در آب، در دریا، در چاه؟ یا برای اینکه پول را از بین ببریم، خرجهای مسرفانه و بیجا کنیم، خرج بیخودی بکنیم؟ اینها مراد نیست.

قال له یا ابن رسول الله بماذا؟

[سدیر گفت:] چه جوری این پول را از خودمان دفع کنیم؟

قال بقضا حوائج اخوانکم من اموالکم (۲)

[حضرت فرمود:] راهش این است که نگاه کنید، ببینید برادران شما چه نیازی دارند به اموال شما، آن نیاز را برآورده کنید.

بعضی‌ها متمکن هم هستند، [اما] می‌آیند پیش ما -چون پول بیت‌المال دست ما است، از ما میخواهند- که مثلاً فرض کنید فلان کس محتاج است، شما یک پولی بدهید؛ خب بابا، خودت که پول داری، بده! اگر چنانچه نتوانستی، بعد بیا سراغ بیت‌المال. یعنی بعضی‌ها سختشان است که از خودشان بکنند و در راه خدا انفاق کنند. حضرت اینجا میفرماید که این پول زیاد را، این مال زیاد را هر جور که میتوانی، از خودت دور کن. البته هر جور که میتوانی، یعنی به این صورت که به برادران مومنت بدهی و قضا حوائج آنها را بکنی.

